

آموزش و پرورش قرآنی در سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام)

جواد عسکری چاورزی

مفت‌جوی کارشناسی ارشد فلسفه کاشانریز

■ چکیده:

اهتمام وافر رسول الله (ص) به تعلیم و تربیت به عنوان یک وظیفه الهی بوده و رسول الله (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) به آموزش و پرورش قرآنی جامعه بشری اهتمام ورزیده و در این زمینه از هیچ تلاشی فرو گذاری نکرده اند. از همان آغاز بعثت و با اولین نزول آیات وحیانی قرآن که خواندن را و علم آموزی را به همراه دارد تا هجرت و از هجرت تا تشکیل حکومت، بحث آموزش و پرورش به صورت انفرادی (چهره به چهره) یا به صورت جمعی در صدر برنامه های تبلیغی رسول الله (ص) و ائمه هدی بعد از رسول الله (ص) بوده است. در این مقاله ابتداء به ارزش علم در اسلام و سپس به سیره ی عملی رسول الله (ص) و ائمه معصومین در بستر سازی برای علم آموزی و تأسیس گسترش آموزش و پرورش پرداخته شده است.

■ کلید واژه:

ارزش علم، سیره عملی رسول الله و ائمه هدی (علیهم‌السلام)

■ مقدمه:

از آنجا که علم یعنی دانستن و آگاهی نسبت به امور و دنیای خود، در ادیان مختلف به ضرورت علم آموزی و کسب دانش توجه زیادی شده است به همین دلیل خداوند متعال در وهله ی اول پیامبران را که بر می‌گزید به آن‌ها علم عطا می‌کرد، زیرا آن‌ها باید الگوی جامعه ی خود قرار می‌گرفتند. در دین اسلام نیز که کاملترین دین است این امر را به طور آشکارتری مشاهده می‌کنیم. به دلیل اینکه پیشرفت جهان از آغاز تا به امروز بر پایه ی علم و کشف رموز طبیعت بوده و از آنجا که خداوند این فضیلت را در وجود انسان گذاشت، این وظیفه را به پیامبران خود محوّل نمود که مردم را از استعداد و ارزش واقعی خود آگاه سازند تا بتوانند به کشف راز عالم بپردازند و خود و دنیای خود را به سوی پیشرفت سوق دهند. در این مقاله کوشش شده

کانون‌های علم و تحقیق و در تمام اجزای جهان معرفت مشاهده می‌شود. تا آنجا که کسی مانند مهلب بن ابی صفره از اشراف و امرای عصر اموی به فرزندانش می‌گفت: فرزندان من هر گاه خواستید در بازار بایستید، جز نزد فروشنده‌ی کتاب و سلاح جایی نایستید (ابن طقطقی، همان منبع: ۲).

از فوائد علم در دنیا، اعتبار و عزت نزد نیکان و بدان و نیز نفوذ و تاثیر حکم بر صاحبان اقتدار در جامعه است. زیرا طبیعت مردم از خاص و عام بر بزرگداشت اهل علم و نگاهداشت حرمت آنان و واجب شمردن اطاعت ایشان است (نراقی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

در بررسی احوال علمی دانشمندان و مباحث علمی در اسلام، امروزه نیز خیل کثیری از عالمان در داخل و خارج مرزهای اسلامی به مطالعه و تحقیق پرداخته و کتب فراوانی را به رشته‌ی تحریر در آورده اند. اما به گفته‌ی سید جمال الدین اسدآبادی: خلاف گویی و وارونه جلوه دادن حقایق، در نوشته‌ها و آثار اکثریت قریب به اتفاق مستشرقین به چشم می‌خورد و ما باید با کمال دقت، در کشف این توطئه‌ها بکوشیم و پاسخ‌گویی بر غرض‌ورزی‌های آنان را یکی از وظایف خود بدانیم (اسدآبادی، بی تا: ۸۴).

پیامبر(ص) و ائمه (علیهم السلام) علاوه بر اینکه در سیره‌ی عملی خود به طریق علمی رفتار می‌کردند، در سخنان خود نیز به وضوح به ارزش علم و عالم اشاره کرده‌اند. رسول الله (ص) به دلیل نزول «وحی» احاطه‌ی کاملی بر مسائل علمی داشتند و ائمه هدی(علیهم السلام) نیز متأثر از پیامبر بودند. می‌توان گفت که علم ائمه (ع) نیز متأثر از پیامبر (ص) بود و تنها تفاوتی که علم پیامبر را کاملتر می‌کرده، همان وحی بوده است.

است ارزش علم ابتدا در قرآن و در مرحله‌ی بعد در سیره‌ی پیامبر(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) مورد بررسی قرار گیرد و فعالیت‌های رسول الله (ص) و ائمه هدی(علیهم السلام) در تاسیس آموزش و پرورش قرآنی به ترتیب مطرح و مرور گردد.

ارزش علم :

در حوزه‌ی اسلام از همان آغاز، روحیه‌ی جویایی و منش عقلی تقویت گشت و راه را برای پیدایش علوم و قواعد و زبانی که بتوان با آن مسائل اندیشه‌ای را در میان نهاد، باز کرد (حکیمی، ۱۳۷۱: ۴).

علمی که در اسلام مطرح است باید تمام جنبه‌ها را در نظر بگیرد نه یک حوزه‌ی خاص. «در اسلام علم مستقل از جامعه نیست. فضیلت علم مانند روشنی آفتاب آشکار و از غبار شک و شبهه پیراسته است. در اسلام علم و دین از هم جدا نیست، یعنی دین همان علم است و در نهایت هر علمی در راه شناخت خدا که هدف نهایی آن است بکار گرفته می‌شود. «بزرگوارترین علم، علم دین است...» (عنصر المعالی، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

در اسلام کسی که علم می‌آموزد باید زاهد نیز باشد و پرهیزگار بی دانش را نباید پرهیزگار دانست (همان منبع: ۳۶).

اسلام ارزش علم را گاهی اوقات حتی برتر از خون شهدا می‌داند. بزرگترین نمودار ارزش مافوق تصویری که اسلام به علم می‌دهد این است که رسول الله (ص)، در آن هنگام که همه‌ی هدفش بسیج مردم است و بیش از همه، به سرباز نیاز دارد نه به دانشمندان... اعلام می‌کند که: مداد العلماء افضل من دماء الشهداء یعنی مُرکّب دانشمندان از خون شهیدان برتر است.

ارج گذاری به علم منحصر به زندگی روزمره و وسایل ارتباط جمعی نیست، بلکه آشکارا در

به گفتار پیغمبر راه جوی

(۵۶۴).

دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی...

که من شهر علمم، علی‌ام در است

درست این سخن قول پیغمبر است

(فردوسی، ۱۳۸۷: ۲۰)

قرآن کریم و ارزش علم:

در قرآن کریم در آیات متعدد راجع به علم‌آموزی و تعلیم و تربیت و ارزش عالمان مطالبی بیان شده که غور و مطالعه در این آیات می‌رساند که ارزشی که خداوند برای علم قائل است تا به آن حد است که شناخت علم به شناخت خداوند می‌رسد. یعنی همان سعادت واقعی که بشر در تلاش است بدان دست یابد. علم در قرآن به طور مطلق آمده و یک علم خاص در میان نیست. مثلاً وقتی که قرآن از کائنات و آسمان‌ها سخن می‌گوید از علم هوا فضا بحث به میان می‌آورد «برخی از مسلمانان خواسته‌اند علم را در بیان قرآن در چهارچوب علوم مذهبی و حتی فقهی منحصر بدانند، در حالی که همه جا از علم بطور مطلق یاد شده است و در گفته‌هایی از قبیل اطلبوا العلم ولو فی الصین و من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً، هر که حرفی به من آموخت مرا بنده‌ی خویش ساخت، عمومیت آن کاملاً پیدا است

خداوند از انسان می‌خواهد که در راه کسب علم تلاش کند و در این راه از او بهره جوید، بگو خدایا دانش مرا افزون کن (طه، ۱۱۴)

و در آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی مجادله چنین

آمده:

خداوند بالا می‌برد کسانی را از شما که ایمان آورده و دانشمند هستند و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است (شبی، ۱۳۷۰: ۳۲۰).

در آیه‌ی ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی نمل آمده:

و همانا ما به داوود و سلیمان مقام دانش عطا کردیم که گفتند ستایش و سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش فضیلت و برتری عطا فرمود و سلیمان که وارث ملک داوود شد به مردم گفت که ما را زبان مرغان آموختند و از هر گونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش آشکار است (قرآن: ۲۳۶)

رسول الله (ص) فرموده‌اند: ای مردمان بدانید که دین هنگامی کامل و درست است که علم بیاموزید و علم خود را بکار بندید، آگاه باشید تحصیل علم واجب‌تر است از تحصیل مال (حکیمی، ۱۳۷۱: ۱۰).

در جای دیگر می‌فرماید: دو نفر سیر نشوند: جوینده‌ی علم و جوینده‌ی دنیا (تاج لنگرودی و اعظ، ۱۳۷۲: ۴۲۹).

کسی از پیامبر اعظم (ص) می‌پرسد اگر یک ساعت بیشتر تا مرگ من نمانده باشد آن یک ساعت را چه کنم؟ پاسخ می‌فرماید: برو آن را با مباحثه‌ی علمی بگذران.

پیغمبر (ص) وارد مسجد شد، جمعی به عبادت نشسته بودند و جمعی به بحث علمی مشغول بودند، پیغمبر در هر دو نگریست و به

قرآن با کلمه‌ی «خواندن» شروع می‌شود:

(اقرا باسم ربک ... الذی علم بالقلم)

خدا انسان را به خواندن، نوشتن و تعلیم دادن دعوت نموده است،

(علم الانسان مالم يعلم)

به انسان آنچه را که نمی‌دانست یاد داد (همان منبع، ۳۴)

ارزش علم نزد خدا تا آنجا پیش می‌رود که خداوند به قلم و آنچه می‌نویسد یعنی به علم، قسم یاد می‌کند (قرآن، آیه ۱ سوره‌قلم،

گروه دومی پیوست .

و به راستی که خداوند سبحان ثروت را به دوست و دشمنش بیخشد و علم را ندهد مگر به آن که او را دوست داشته باشد (آمدی، همان منبع: ۲۶۴)

دینداری و علم آموزی در نظر حضرت علی(ع) با یکدیگر ممزوج شده بود؛ چنانکه وقتی که صفات پرهیزکاران را بر می شمارد می فرماید: پرهیزکاران گوش‌های خود را وقف دانش سودمند کرده‌اند... (نهج البلاغه، ۱۳۸۵، خطبه ۱۹۳: ص ۲۸۷).

در راه کسب علم هر گونه سستی و تعلل منع شده است و هیچ عذری را نمی‌پذیرد و دانش راه عذر تراشی را بر بهانه جویان بسته است(همان منبع، حکمت ۲۸۳: ص ۲۷۷).

در امر سیاست امام علی (ع) به فرمانداران خود فرمان می‌داد تا در مدیریت خود بر شهرها و مردم، با دانشمدان گفت و گو کنند(ارشاد، ۱۳۸۵: ۳۱۸). ای کمیل انسان به دانش در زندگانی فرمانروایی کند و پس از مرگ یاد نیکو بر جای گذارد (تنکابنی، ۱۳۷۳: ۲۹۹).

امام علی(ع) همواره به تخصص در علمی خاص و عدم دخالت در علوم دیگر تاکید داشته و عالمی را که به غیر علم خود عمل می‌کند، چون جاهل سرگردانی میدانند که از بیماری نادانی شفا نخواهد گرفت. و عواقب آن را این طور بر می‌شمارد... بلکه حجت بر او قوی‌تر و حسرت و اندوه بر او استوارتر و در پیشگاه خدا به نکوهش سزاوارتر است (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰: ص ۱۴۹)

امام حسن مجتبی(ع) درباره‌ی کسی که به دانش و علم نمی‌اندیشد می فرماید: در شگفتم از کسی که درباره‌ی خوراک جسمی خود می‌اندیشد، چگونه درباره‌ی خوراک فکری خود نمی‌اندیشد (محمدی ری‌شهری، همان منبع ۳۹۷۳ و ۴۰۰۱).

پیامبر در ارزش علم فرموده: جستن علم بر هر مسلمانی واجب است و همه چیز حتی ماهیان دریا برای جویای علم آموزش می‌طلبند و صبح و شب در کار تعلیم علم به سر بردن، نزد خدا از جهاد بهتر است.

ایشان همچنین در ارزش عالم می‌فرماید: مردم قابل اعتما دو گروه اند: عالم و علم آموز و در غیر آن‌ها چیزی نیست (فرید تنکابنی، ۱۳۸۴: ۴۷۱-۵)

و در جای دیگر می فرماید: با عالمان صالح مشورت کنید و چون تصمیم بر اجرای آن گرفتید به خدا توکل کنید (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۵۵)

در میان ائمه معصوم(ع) بعد از پیامبر، امام علی (ع) تقریباً بیشترین تاکید را بر علم داشتند و این به دلیل باقی ماندن مجموعه‌ی خطبه‌ها و سخنان این بزرگوار است که در مجموعه ای تحت عنوان نهج البلاغه گردآوری شده است.

امام علی (ع) در تمام زمینه‌ها، بکارگیری روش علمی را واجب می‌شمرد و خود بدان عمل می‌کرد: چون علم یافتید بدان عمل کنید و هر آنکه با علم رفتار کند، همچون کسی است که به راه روشن رود (آمدی، ۱۳۸۱: ۹۴ و ۱۷۲).

در مورد برتری مردم از یکدیگر، ملاک تشخیص را میزان علم و دانش آن‌ها قرار داده بود. بدرستی که مردم یا عالم‌اند یا آموزنده‌ی علم و به جز این دو، پشه‌ی کورند(همان منبع: ۳۱۹).

و اینکه برتری مردم بر یکدیگر به دانش‌ها و خردهاست نه به ثروت‌ها و تیارها (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴: ۱۳۶۵/۸)

از امام حسین (ع) نقل شده است که: اموختن علم و مطالب دین، معرفت و شناسایی حقیقت را بیار خواهد آورد... (اسلامی چهارمی، ۱۳۷۶: ۸۶۷).

صادق (ع) نیز بر رونق بوده است و شاگردان زیادی از حلقه‌ی درس آن حضرت بهره مند می‌شده‌اند.

ایشان اعتقاد

داشتند که ما [ائمه اطهار(ع)] راسخین در علم هستیم و تاویل آن را می‌دانیم (همان منبع: ۱۶۳).

به اعتقاد ایشان دلیل تباهی جامعه و مردم، پرسش و تحقیق نکردن از طرف مردم است (بهبودی، ۱۳۶۳: ۹).

امام صادق(ع)، یکسان نگری در علم آموزی به افراد را مهم می‌شمردند و درباره‌ی آیه‌ی «به تکبر از مردم روی مگردان» می‌فرمود: باید مردمی که برای آموختن علم نزد تو می‌آیند، در نظرت یکسان باشد (محمدی ری‌شهری، همان منبع: ۳۹۷۷).

در مورد مقام دانشمند می‌فرمود: ابلیس از مرگ مؤمن شادمان می‌شود ولی بالاترین حد شادی او هنگامی است که دانشمند فقیمی بدرود حیات گوید (بهبودی، همان منبع: ۸).

امام موسی کاظم (ع) علم را از دین جدا نمی‌کردند و اعتقاد داشتند که علم جز از عالم ربّانی بدست نیاید و شناخت چنین عالمی به خرد است (محمدی ری‌شهری، همان منبع: ۳۹۷۳).

ایشان در مقام دانشمندان می‌فرمود: گفتگو با دانشمند و عالم در زیالهدان‌ها بهتر است از گفت و گوی با نادان روی فرش‌های گرانبها (اسلامی چهارمی، همان منبع: ۸۶۹ و شریف قرشی، ۱۳۶۸: ۲۷۰).

امام کاظم (ع) توجه به علوم جدید و دوری از علومی که به سود جامعه نباشد را تأکید داشت

نقد علمی در زمان ائمه نیز مطرح بوده است؛ چنانکه امام حسین (ع) می‌فرماید: از نشانه‌های عالم این است که گفتار خود را نقّادی کند و به حقایق فنون نظر و اندیشه دانا باشد. یعنی همان ویژگی‌ای که امروزه برای نقّادان بر می‌شمارند و آن، احاطه بر دانش قبل از نقد یک اثر است (محمدی ری‌شهری، همان منبع: ۳۹۸۷).

امام سجاد (ع) علمی را شایسته می‌داند که آن را بکار ببندیم. این بدان معناست که علم با عمل کردن به آن مفید واقع می‌شود. ایشان می‌فرماید: در انجیل نوشته شده است که تا آنچه را که آموخته‌اید بکار نبنسته‌اید، در پی آموختن آنچه نمی‌دانید نروید زیرا علم هرگاه به آن عمل نشود، جز بر دوری عالم از خدا نیفزاید (همان منبع: ۳۹۹۵).

امام محمد باقر (ع) نیز توجه ویژه به مسئله‌ی علم داشتند و حلقه‌های درس و بحث ایشان شهره‌ی جهان آن روزگار بود، بطوری که به ایشان لقب شکافنده‌ی علم داده بودند. این امام بزرگوار می‌فرمود: دلی که در آن چیزی از دانش نباشد، مانند خانه‌ی ویرانه‌ای است که آباد کننده‌ای ندارد (همان منبع: ۳۹۳۱) و می‌فرمود: هرگاه من حدیث و سخنی برای شما گفتم، ریشه و مستند قرآنی آن را از من جویا شوید. (ترابی، ۱۳۷۳: ۹۵).

عمرین بیان گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: به راستی علمی که با آدم نازل شد، برداشته نشد و عالمی نمیرد که علمش از دست برود (کلینی، ۱۳۷۲: ۱۹۱).

محافل علمی و حلقه‌های درس زمان امام

، مثلاً ایشان علم انساب را ضروری نمی‌دانستند (شریف قرشی، همان منبع: ۲۶۹) .

از نظر امام رضا (ع) دانش و علم با کارایی‌ای که از خود دارد یعنی کشف شیوه‌های علمی و فنون و ابزار و کمک به بهبود زندگی، از ثروت بالاتر است. دانش برای اهل خود (کسانی که به دنبال علم می‌روند) بیش از آن گرد می‌آورد که پدران برای فرزندان خود فراهم می‌کنند (محمدری‌شهری، همان منبع: ۲۹۳۱)

امام علی النقی (ع) دانش را نوعی ارث می‌داند که باید منتقل شود و اندیشیدن را نشانه‌ی راه درست دانسته‌اند. دانش ارثی است گرمی و ارزشمند و آداب و دستورات زینت‌هایی است نیکو و اندیشیدن آینه‌ای است صاف و روشن (اسلامی‌چهرمی، همان منبع: ۸۸۹).

امام هادی (ع) در مورد ارزش دانشمندان بعد از ائمه‌ی اطهار (ع) می‌فرمایند: « اگر بعد از غیبت قائم ما نبود وجود علمایی که به سوی او می‌خوانند و به وجود او رهنمون می‌شوند و با حجت‌های الهی از دین او دفاع می‌کنند و بندگان ناتوان خدا را از دام‌های ابلیس می‌رهانند بی‌گمان همه‌ی مردم از دین خدا بر می‌گشتند» (محمدری‌شهری، همان منبع: ۳۹۸۵).

امامان معصوم وقتی که درباره‌ی علم و عالم سخن به میان می‌آورند، خوبی و بدی این دو را با هم ذکر می‌کنند، یعنی ملاک‌ها را تعیین می‌کنند تا دیگران در شناخت آن‌ها به بیراهه نروند.

امام حسن عسکری (ع) در وصف علمای بد کردار می‌فرماید: زبان آن‌ها برای شیعیان ناتوان ما بیشتر از زبان سپاه یزید برای حسین بن علی (ع) و یاران اوست. زیرا آن‌ها جان و مال ایشان را گرفتند و این علمای بد کردار در دل شیعیان ناتوان ما شک و شبهه می‌اندازند و گمراهشان می‌کنند.

در اینجا لازم است این نکته ذکر شود که علمی که پیامبر و امامان (علیهم‌السلام) مد نظر داشتند و آموزش می‌دادند و در سیره‌ی عملی خود بکار می‌گرفتند منحصر به مردان نبوده و زنان را نیز شامل می‌شده است. زنان نیز در دوره‌های مختلف اسلامی حلقه‌ی درس و بحث علمی داشته‌اند. عنایت معصومان به علم‌آموزی زنان بسیار بوده است. پیامبر (ص) در تمجید از بانوان جوینده‌ی دانش فرموده‌اند: چه زنان خوبی هستند، زنان انصار که حجب و حیا مانع از تعمیق آنان در معارف دینی نشده است. علی (ع) نیز می‌فرماید: چه بسا زنانی که دارای بینش عمیق‌تری در دانش دینی، نسبت به مردان می‌باشند.

مقام زن در دانش تا بدانجا بالا رفته که بیان شده پیرزنی از خادمان امام حسن عسکری (ع) پس از دریافت سؤالات مردم، جواب را از حضرت مهدی (عج) آموخته و به آنان عرضه می‌داشته است. البته تعداد این بانوان به تناسب اوضاع سیاسی زمان و میزان فشار حکومت برای جدایی جامعه از ائمه متغیر بوده است، لذا در زمره‌ی دانش‌آموختگان دانشگاه امام صادق (ع) نام بیش از سی زن ثبت شده است، حال آنکه تعداد زنانی که از امام حسن عسکری (ع) علم آموخته‌اند بیش از یکی دو نفر ذکر نشده است» (آیت‌اللهی، ۱۸)

تاسیس آموزش و پرورش قرآنی:

رسول الله و ائمه هدی (علیهم‌السلام) برای تاسیس آموزش و پرورش قرآنی فعالیت‌های متعدد و مستمری را انجام داده‌اند که فهرستوار به آنها اشاره می‌شود.

- ۱- تبلیغ عظمت دانش و فریضه دانش‌اندوزی و واجب کردن تعلیم و تربیت
- ۲- اهتمام به تعلیم و تربیت قرآنی و ترجیح جلسات علمی بر جلسات عبادی
- ۳- همگانی کردن آموزش و پرورش و

۴- بکارگیری انواع تشویق و ترغیب های دنیائی و آخرتی برای انگیزه سازی و گرایش به سوی تعلیم و تربیت

۵- مبارزه پیگیر با چهل و بی سوادى و بی خبری

۶- پیوند بین نهضت علمی و تربیتی با برقراری قسط و عدل در جامعه

۷- بستر سازی برای گسترش فرهنگ تعقل و تفکر و اندیشه ورزی در جامعه اسلامی (مطالعه و تفکر در آیات آفاقی و انفسی)

۸- تأکید بر روش های عاطفی و محبتی در توسعه آموزش و پرورش قرآنی

نتیجه:

بر خلاف نظر بعضی نویسندگان که دین اسلام را مغایر با پیشرفت و توسعه علمی می دانند ، از همان ابتدا پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) اسلام ، توجه زیادی به مسئله ی علم و کسب دانش داشته اند و در اسلام علم و دین در همه ی امور دخالت دارد و سعی بزرگان دین همواره این بوده که اداره ی جامعه به شیوه ی علمی و طبق نظر و مشورت دانشمندان و بهره گیری از تجربه ی پیشینیان صورت گیرد. به همین دلیل همواره این بزرگان سعی داشته اند علومى را که آموزش مى دهند جنبه ی عملى نیز داشته باشد و در نهایت به صلاح و سعادت جامعه منتهی گردد. در عین حال بحث پیرامون آموزش و پرورش قرآنی زیاد است و ما به اختصار مطالبی را ذکر نموده ایم .

منابع:

- الآن فرانسيس
محمدعلی انصاری، قم، امام عصر ، ۱۳۸۱، ج ۱
آیت اللهی، زهرا ، زن و دانش، روایات و سیره معصومان، پیام زن ، ش ۱۲۱ ، فروردین ۱۳۸۱
ابن مفلح، محمدين علی بن طباطبایا، تاریخ فخری، مترجم محمد وحید گلایگانی، تهران ، علمی فرهنگی، ۱۳۸۴، ج ۴
زُشاد، علی اکبر ، دانشنامه امام علی(سیره) ، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۱
اسدآبادی ، سید جمال، اسلام و علم، مترجم سید هادی خسرو شاهي ، بی جا ، بی تا، بی نا
اسلامی جهرمی، محمود، مصابیح الدجی، قم ، دارالتفسیر (اسماعیلیان) ، ۱۳۷۶، ج ۱
پژوهشکده فرهنگ و معارف ، اسلام و توسعه (مجموعه مقالات) ، تهران ، دفتر نشر معارف ، ۱۳۸۲، ج ۱
تاج لنگرودی واعظ، محمد مهدی ، گفتار انبیاء ، بی جا ، ناشر مؤلف، ۱۳۷۲، ج ۴
ترابی ، احمد ، امام باقر (جلوه امامت در افق دانش) ، مشهد ، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی ، ۱۳۷۲، ج ۱
حکیمی، محمد رضا، دانش مسلمین، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ج ۷
دشتی، محمد نهج البلاغه، بی جا، طلوع مهر ، ۱۳۸۵، ج ۵
دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی (دفتر دوم سیره اجتماعی)، تهران، دریا، ۱۳۸۵، ج ۲
شبیلی ، احمد، تاریخ آموزش در اسلام ، مترجم محمد حسین ساکت ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۲
شریعتی، علی، اسلام شناسی (مشهد)، تهران، چاپخش ، ۱۳۸۶، ج ۹
شرف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگی امام کاظم ع ، مترجم محمدرضا عطایی، بی جا، کنگره جهانی حضرت رضا، ۱۳۶۸، ج ۱
غضنبرالمالی، کیکاووس بن اسکندر، قابوس نامه، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۸۶، ج ۱۵
فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه (بر اساس نسخه زول مل)، تهران، الهام، ۱۳۸۷، ج ۲
فرید نکابنی، مرتضی، رهنمای آسانیت (احادیث و ترجمه نهج الفصاحه) ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴، ج ۱۴
، الحدیث گفتار حکیمان (بخش سوم نهج البلاغه، باب المختار) ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ج ۲
قرآن کریم، مترجم مهدی الهی قمشه ای ، قم ، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم، ۱۳۸۴، ج ۲
، محقق، محمد فقیهی رضایی، تهران، محرراب قلم ، ۱۳۸۴، ج ۱
کلینی، اصول کافی، مترجم محمد باقر کمره ای ، بی جا، اسوه، ۱۳۷۲، ج ۲
، گزیده ی کافی (معارف و آداب)، مترجم محمد باقر بهبودی ، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۳، ج ۱
محمدی ری شهری، محمد ، میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴، ج ۵، ۸
ترافی، مولی مهدی، علم اخلاق اسلامی ، مترجم جلال الدین مجتبیوی، تهران، حکمت، ۱۳۸۵، ج ۸، ۱



پڙهه ڪاهه علوم انساني و مطالعات فرينجني
پرتمال جامع علوم انساني